

## تبیین عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی پلیس در شهر تهران

رضا دوستدار<sup>۱</sup>، غلامرضا غفاری<sup>۲</sup>

از صفحه ۲۷ تا ۶۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۳

### چکیده

سرمایه اجتماعی پلیس نقش مهمی در پیشبرد اهداف سازمان پلیس دارد، تلاش برای ارتقای این سرمایه یکی از مهمترین دغدغه‌های مسئولین نیروی انتظامی ج.ا.ایران را شکل داده است. این پژوهش با هدف تبیین عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی پلیس شکل گرفت لذا درصدد پاسخگویی به این سوال بوده است که عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی پلیس در شهر تهران کدامند؟ روش: روش این پژوهش، توصیفی - تبیینی و تکنیک پیمایشی و ابزار آن نیز پرسشنامه است و در تحلیل از روش تحلیل کمی کمک گرفته شد. در پیمایش اجتماعی، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن شهر تهران بوده‌اند. برای تعیین حجم نمونه، از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای و از خوشه‌بندی ده گانه محلات شهر تهران استفاده شد و از هر خوشه یک محله و از هر محله بلوک‌هایی انتخاب و با روش نمونه‌گیری تصادفی به صورت حضوری پرسشنامه‌ها تکمیل گردید. با بهره‌گیری از روش کوکران ۶۰۰ نفر انتخاب و از هر محله ۶۰ نفر بدون توجه به حجم جمعیت هر محله انتخاب گردید. یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج پیمایش اجتماعی حاکی از این بود که میزان سرمایه اجتماعی پلیس در شهر تهران، متوسط رو به بالا و با میانگین حدود ۰/۶۱ است. برای بررسی سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. بر این اساس متغیرهای (عدالت محوری پلیس، تجربه جرم، اعتماد به نظام سیاسی، احساس امنیت اجتماعی، کارایی نهادهای دولتی، کارآمدی پلیس، و شناخت و آگاهی نسبت به وظایف پلیس) به روش گام به گام وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. نتایج تحلیل رگرسیونی بیانگر این بوده که در گام آخر چهار متغیر کارایی نهادهای دولتی، احساس امنیت اجتماعی، پنداشت نسبت به کارایی پلیس و شناخت و آگاهی نسبت به وظایف و اقدامات پلیس به ترتیب بیشترین واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده و در مدل باقی مانده‌اند و بقیه متغیرها از معادله خارج شده‌اند. این متغیرها در مجموع توانسته‌اند ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند. ماتریس همبستگی‌های مشترک بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی پلیس نیز نشان می‌دهد، اقتدار پلیس با سایر متغیرهای سرمایه اجتماعی رابطه معکوس دارد.

**کلید واژه‌ها:** سرمایه اجتماعی پلیس، اعتماد به پلیس، مشروعیت پلیس، کارایی پلیس، کارایی

نهادهای دولتی.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و

نویسنده مسئول. rezadoustdar@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

## مقدمه

از نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همواره به عنوان نهادهای اصلی و سازنده جوامع انسانی یاد می‌شود که فلسفه وجودی آن‌ها بر مبنای پاسخ به نیازها و ضرورت‌های کارکردی هر جامعه مورد توضیح و تبیین قرار گرفته است. سازمان پلیس نیز در درجه نخست بر مبنای ابعاد محتوایی و صوری خود و نیز کارویژه‌هایی که برای آن در نظر گرفته می‌شود در ذیل نهاد سیاست و به تعبیری نهاد حکومت قرار می‌گیرد. سازمان پلیس متولی برقراری نظم و امنیت در مقیاس داخلی است. هرچند که در خصوص وظایف پلیس در کشورهای مختلف شاهد تفاوت‌هایی هستیم، لیکن برقراری نظم و امنیت، پیشگیری از وقوع جرم، تعقیب و دستگیری متهمان و مجرمین، از وظایف اصلی و مشترکی هستند که برای بیشتر سازمان‌های پلیس در نظر گرفته شده‌اند. سازمان پلیس برای اینکه بتواند به سازمانی فعال و عامل تبدیل شود، نیازمند تعامل مناسب سازمان و محیط (جامعه) است که این تعامل خود مستلزم وجود تفکر استراتژیک در سازمان و سازگاری بهینه با محیط (جامعه) است که امکان ارتباط و مشارکت سازمان را با مخاطبان خود که آحاد افراد جامعه هستند، فراهم می‌سازد بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی به عنوان نوعی دارایی، به ارتقاء توان و قابلیت سازمان‌ها به خصوص سازمان‌هایی که در تعامل و ارتباط بیشتر با مردم قرار دارند، کمک می‌کند. از سوی دیگر تحقق نظم و امنیت و ارتقای سطح احساس امنیت اجتماعی و ایفای مطلوب وظایف اصلی پلیس در مواجهه با جرم و کنترل آن نیازمند سازمان پلیس کارآمد است و کارا بودن یک سازمان در گرو وجود پیوند و هماهنگی مناسب بین مأموریت‌ها و عملکرد آن سازمان است که از سویی تأمین‌کننده اقتدار سازمان نیز می‌باشد. به عبارت دیگر به میزانی که کارگزاران یا نیروی سازمانی یک سازمان، موفق به ارائه عملکرد بیشتر و کاراتر در حوزه وظایف و مأموریت‌های خود می‌شوند، بر اقتدار و مشروعیت خود می‌افزایند و بدین ترتیب سازمان هم، در درون، برخوردار از رضایت وجود سازمانی مطلوب شده و هم این که در نزد دیگر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منزلت و جایگاهی مطلوب‌تر پیدا کرده که تقویت وجه بیرونی اقتدار سازمانی را در پی دارد. رضایت درونی

و اقتدار بیرونی سازمان پلیس، دارای یک ارتباط متعامل است و تقویت کننده یکدیگر می باشند (غفاری، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۲).

سرمایه اجتماعی که حاصل روابط اجتماعی بین افراد، گروهها و نهادهای اجتماعی است در برقراری نظم اجتماعی تاثیر به سزایی دارد. این مفهوم با متغیرهای شناخته شده ای همچون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی، احساس امنیت و میزان جرائم در جامعه، انسجام و همبستگی گروهی و همکاری ارتباط دارد (تاجبخش، ۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی می تواند بر جنبه های مختلف حیات اجتماعی تاثیرات بسیاری بر جای گذاشته و گرمی حیات اجتماعی و حفظ غرور اجتماعی را به دنبال آورده و میزان جرایم، هزینه های اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهد، ارتقای سلامتی اجتماعی و پیشرفت آموزش، برابری اجتماعی، رفاه و پیشرفت اقتصادی را موجب شود و کاهش فساد دولتی کمک کرده و به ارتقای کارآمدی حکومت منجر شود. بر همین اساس است که امروزه پلیس سعی می نماید تا ضمن حفظ ارتباطات و روابط خود در جامعه، در راستای ارتقای آن بکوشد.

سرمایه اجتماعی پلیس با میزان اعتماد جامعه به پلیس، سطح مشارکت مردم با پلیس، درجه مقبولیت و نیز وجهه و منزلت اجتماعی پلیس و سطح اقتدار پلیس در جامعه سنجیده و بیان می شود. (دوستدار، غفاری، آب نیکی و عبدی، ۱۳۹۵) از این رو هر یک از این مولفه ها نیز با شاخص ها و پارامترهایی که درجه یا میزان سرمایه اجتماعی پلیس را تعیین می نماید محک می خورد که در مجموع منجر به ارتقای عملکرد نیروی پلیس در ایجاد نظم و امنیت از طریق ایجاد بسترها و زمینه هایی برای ارتقای تعاملی و کارکردی فعالیتهای پلیس می باشند. وجود، گسترش و ارتقای این مولفه ها به افزایش سرمایه اجتماعی پلیس و در نتیجه ارتقای کارآمدی آن و عدم وجود، آسیب و کاهش این مولفه ها به زوال و افول سرمایه اجتماعی پلیس و در نتیجه کاهش کارآمدی آن منجر خواهد گردید.

بر این اساس سرمایه اجتماعی پلیس حاصل مجموعه ای از عوامل و مولفه های متعدد در یک سیستم اجتماعی مرتبط با نیروی پلیس است. سرمایه اجتماعی پلیس را می توان به مثابه حاصل شیوه تعامل موثر بین افراد جامعه و پلیس و وجود هنجارهای مناسب همیاری و همکاری با پلیس تلقی نمود که به نوعی

ریشه در اعتماد، مشارکت، مقبولیت، منزلت و اقتدار پلیس دارد. محور مورد تاکید در سرمایه اجتماعی پلیس عبارت است از وجود همزمان و همپایه ارکان و مولفه های اصلی آن. خدشه در هر یک از مولفه ها می تواند تاثیری بسیار مخرب بر سرمایه اجتماعی پلیس وارد نماید. بر همین اساس نیروی انتظامی به منظور افزایش میزان اعتماد مردمی و همچنین بالا بردن میزان مشارکت آنها در فعالیتهای اجتماعی پلیس، در سالهای گذشته اقداماتی را در این زمینه به اجرا گذاشته است که هدف اولیه آن استفاده از دیدگاههای مردمی در جهت دهی به سیاست های نیروی انتظامی در زمینه تامین امنیت جامعه می باشد.

مسئله این پژوهش ناظر بر تبیین سرمایه اجتماعی پلیس است. مساله مند بودن سرمایه اجتماعی پلیس را می توان از یافته های تجربی در تحقیقات پیشین (شارع پور ۱۳۸۸)، غفاری (۱۳۹۰)، شایگان (۱۳۸۷)، کرامتی و ملتفت (۱۳۸۲)، بخشی (۱۳۹۱)، وزارت فرهنگ و ارشاد (۱۳۸۳) و (۱۳۸۱)، مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۵)، بیات (۱۳۸۹)، کلاکی و دوستدار (۱۳۸۸)، وثوقی و گلیج (۱۳۸۷) و... استنباط کرد. در این پژوهش مدعای تبیینی ما این است که میزان سرمایه اجتماعی پلیس ج.ا. ایران علی رغم گام های موثر و سازنده در راستای افزایش آن، با وضعیت مورد انتظار فاصله داشته و نیازمند مطالعه علمی جهت شناسایی عوامل موثر بر این مسئله است. براساس مدعای تبیینی پژوهش، سوال اصلی پژوهش را به این صورت می توان بیان کرد که عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی پلیس در شهر تهران کدامند؟

بررسی ها در خصوص پژوهشهای انجام شده با عنوان سرمایه اجتماعی پلیس (نژاد اکبری، مجرد کاهانی و دامن کشان (۱۳۹۲)، محمدی نسب (۱۳۹۲)، بخشی و غفاری (۱۳۹۱)، غفاری (۱۳۹۰)، شایگان (۱۳۸۸)، دعاگویان و رفیعی (۱۳۸۸) و بیات (۱۳۸۹) نشان می دهد که هر یک از این پژوهش ها به ابعادی از سرمایه اجتماعی پلیس اشاره نموده اند؛ اعتماد به پلیس، مشارکت (با پلیس)، آگاهی (از فعالیتهای پلیس)، حضور پلیس در فعالیتهای اجتماعی، احترام مردم به پلیس، کاهش هزینه پلیس، مشروعیت، منزلت و اقتدار، افزایش مشارکت ارگانهای دولتی با پلیس و تعاملات اجتماعی از ابعاد مورد اشاره در این پژوهشها برای سرمایه اجتماعی پلیس بوده است. اغلب این پژوهشها، تعریف مشخصی از این

مفهوم ارائه نموده‌اند. گرچه برخی سرمایه اجتماعی پلیس را (نژاد اکبری، مجرد کاهانی و دامن کش (۱۳۹۲)) به طور ضمنی و برخی (بیات (۱۳۸۹: ۷۵)) نیز سرمایه اجتماعی پلیس را با تعریف فوکویاما از سرمایه اجتماعی، تعریف می‌کنند. غفاری (۱۳۹۰) با دقت بیشتری به موضوع سرمایه اجتماعی برون سازمانی پلیس پرداخته است و علی‌رغم آنکه تعریف روشنی از سرمایه اجتماعی پلیس ارائه نکرده اما به ابعاد آن علاوه بر اعتماد و مشارکت، به مشروعیت پلیس به عنوان یکی از مهمترین موضوعات در حوزه سرمایه اجتماعی پلیس نیز پرداخته است. در خصوص اهمیت و ضرورت این پژوهش باید به این نکته اشاره نمود که اساساً هر پژوهش علمی مبتنی بر دو نوع ارزش است: ۱. ارزش بیرونی، ۲. ارزش درونی. ارزش بیرونی ناظر بر اهمیت اجتماعی و ارزش درونی ناظر بر اهمیت علمی آن است. (ساعی، ۱۳۸۷) این قاعده بر پژوهش حاضر نیز صادق است. سرمایه اجتماعی پلیس به مثابه یک مسأله، نیازمند یافتن راه‌حلهای مناسب است. علاوه بر آن آزمون تجربی راه‌حل‌های تئوریک مسأله، انجام این پژوهش را از لحاظ علمی توجیه پذیر می‌سازد. عدم وجود چارچوب نظری مناسب برای سرمایه اجتماعی پلیس، ضرورت دستیابی به یک مدل و چارچوب نظری برای تبیین سرمایه اجتماعی پلیس را در عرصه نظری ضروری می‌سازد. از سوی دیگر به لحاظ کاربردی همانگونه که نتایج تحقیقات گذشته نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی پلیس و مولفه‌های آن در طی سالهای گذشته روند مطلوبی را طی نموده است. پلیس برای ارتقای سرمایه اجتماعی خود نیازمند شناخت مولفه‌ها و عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی پلیس است تا ضمن برنامه‌ریزی مناسب، اقدامات اجرایی را در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی میسر گردد. این امر در عرصه کاربردی ضرورت انجام این پژوهش را ضروری می‌سازد.

## ادبیات نظری

در ابتدا لازم است تعریف این پژوهش از سرمایه اجتماعی پلیس و ابعاد آن ارائه گردد. در این پژوهش سرمایه اجتماعی پلیس تعریف شده است: مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و منابع اجتماعی پلیس شامل اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اقتدار و مقبولیت و مشروعیت (پذیرش مردمی) و وجهه و منزلت است به نحوی که بهره‌مندی از این منابع که در نتیجه تعامل

جامعه و پلیس حاصل می‌گردد، زمینه تولید و بازتولید نظم و امنیت را در عرصه اجتماع و پاسداری از ارزشهای آن جامعه فراهم می‌سازد. دوستدار، غفاری، آب‌نیکی و عبدی، (۱۳۹۵)

این سرمایه با ابعاد «اعتماد اجتماعی به پلیس»، «مشارکت با پلیس: آمادگی عینی و ذهنی»، «اقتدار پلیس» و «مقبولیت و مشروعیت (پذیرش مردمی) پلیس»، «منزلت و وجهه پلیس» و «اقتدار پلیس» قابلیت سنجش و اندازه‌گیری پیدا می‌کند. تعریف فوق و ادبیات نظری پیش‌رو نشان می‌دهد که نه تنها سرمایه اجتماعی پلیس یک مفهوم بسیار گسترده و چند بعدی است بلکه عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی پلیس نیز چند بعدی است.

در این پژوهش به بررسی میزان سرمایه اجتماعی پلیس و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران پرداخته می‌شود. برای شناسایی عواملی که بر سرمایه اجتماعی پلیس تاثیرگذار هستند به ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش رجوع شده است. در این راستا در این بخش از ادبیات نظری ترکیبی از نظریه‌های مرتبط و ادبیات تجربی (پیشینه پژوهش) مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی ادبیات نظری حاکی از تاثیر متغیرهای احساس عدالت (عدالت رویه‌ای)، مصرف رسانه‌ای، احساس امنیت اجتماعی، تجربه جرم، عملکرد و کارآمدی پلیس - توانمندی، پاسخگویی، شفافیت، تخصص و وظیفه‌شناسی و ویژگی‌های ظاهری و رفتاری پلیس - اعتماد به نظام سیاسی و کارایی نهادهای دولتی به عنوان متغیرهای تاثیرگذار بر سرمایه اجتماعی پلیس بوده‌اند. در جمع‌بندی دیدگاهها و نظریات مطرح شده در خصوص سرمایه اجتماعی پلیس و عوامل مؤثر بر آن با مروری بر مطالعات نظری و تجربی به شرح زیر قابل ارائه می‌باشد.

در ارتباط با عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی پلیس عوامل بسیار گوناگونی شناسایی و مورد بررسی قرار گرفتند. بر اساس مطالعات تجربی، سرمایه اجتماعی پلیس تحت تاثیر قوم‌گرایی، خاستگاه خانوادگی، دینداری و سن (حسین‌زاده و عنبری، ۱۳۸۹)، تجارب شخصی، عملکرد پلیس، تجربه نیابتی و عدالت رویه‌ای (مفاخری، ۱۳۹۳)، نگرش به پلیس (ابراهیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۱؛ نظری و متقی، ۱۳۸۶؛ مختاری‌ناصری، ۱۳۹۳؛ کریمی، ۱۳۹۲)، اجرای طرح امنیت اجتماعی (عبدی، صارمی، ساعدی، ۱۳۸۷)، قشربندی اجتماعی (محمدی، ۱۳۸۴)، احساس

امنیت (الیاسی و رادان، ۱۳۸۶)، اقتدار و توانمندی پلیس (کلاکی و دوستدار، ۱۳۸۸)؛ اقتدار نرم پلیس (قدسی، ۱۳۹۰)، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت سازمانی و انسجام هنجاری (بخشی، ۱۳۹۰؛ بخشی و غفاری، ۱۳۹۱)، کنترل اجتماعی، بی هنجاری، امنیت شغلی و جانی (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۰)، همکاری و تعامل مردم با پلیس، احساس امنیت، و توانمندی و اقتدار پلیس (ابراهیم پور، ۱۳۸۹) نگرش به پلیس (ابراهیم پور و همکاران، ۱۳۹۱؛ مختاری ناصری، ۱۳۹۳)، مقبولیت اجتماعی پلیس (شجری، ۱۳۹۲)، شبکه عاطفی، تحصیلات و درآمد (کیانی، ۱۳۹۰)، عدالت رویه‌ای، عملکرد و کارآمدی پلیس است (تایلر، ۲۰۱۵؛ هادون، ۲۰۰۸؛ سانشین و تایلر، ۲۰۰۳؛ غفاری، ۱۳۹۰)، سن، تحصیلات، تاهل، شاغل بودن و درآمد و شبکه‌های عاطفی (ناطق پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۵) است. این بررسی حاکی از آن است که هم ابعاد سرمایه اجتماعی پلیس ایران گسترده است و هم عوامل مؤثر بر آن. همچنین بررسی و مطالعه پژوهش‌های خارجی نشان می‌دهد که مهمترین عامل مؤثر در سرمایه اجتماعی را نابرابری اجتماعی می‌دانند. بررسی / مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی تحت تاثیر نابرابری اجتماعی (روتستاین و اوسلانر، ۲۰۰۵، دیه گو کاراموتا، ۲۰۰۵، اوسلانر و براون، ۲۰۰۳)، عامل روانشناختی و نگرش خوش بینانه (اوسلانر، ۱۹۹۸)، ویژگی‌های سیاسی و مذهبی و عوامل جمعیت شناختی (تیلور و کلارک، ۲۰۰۶)، پاسخگویی و شفافیت سازمانی (راولینز، ۲۰۰۸) را مورد مطالعه قرار داده‌اند. همچنین نتایج تحقیق (یوها تاپیو کاریاینن، ۲۰۰۷) در ۱۶ کشور اروپایی نشان می‌دهد که فساد دولتی بطور موثری واریانس اعتماد عمومی به پلیس در سطح کشوری را تبیین می‌نماید. کائو و همکاران (۱۹۹۸) نگرش مردم را عامل مهمی در اعتماد به پلیس دانستند.

مؤلفه‌ی عدالت رویه‌ای مربوط به متغیر احساس عدالت از نظریه تایلر اخذ شده است، از دیدگاه تایلر در پیش گرفتن رویه‌های منصفانه و عادلانه از طرف پلیس منجر به تمکین و احترام شهروندان به پلیس می‌گردد و در نتیجه باعث جلب اعتماد شهروندان خواهد شد. نتایج تحقیقات اسکاپ (۲۰۱۱) و تایلر (۲۰۰۴) و (۲۰۰۱) مویب این مسئله است که عدالت رویه‌ای در جلب اعتماد شهروندان می‌تواند موثر باشد. در واقع افرادی که اعتقاد داشته‌اند که پلیس به طور کلی

از عدالت رویه‌ای در اعمال قانون در برخورد و در ارتباط با شهروندان استفاده می‌کند، آنها پلیس را بیشتر مشروع قلمداد کرده و در نتیجه رضایت بیشتری از پلیس داشته‌اند. از نظر تایلر و هیو (۲۰۰۲) در صورتی که مردم نسبت به مجریان قانون اعتماد داشته باشند و رویه‌های آنها را عادلانه بدانند تصمیمات آنها را می‌پذیرند هرچند که آن تصمیمات را نامناسب بدانند. عموماً مردم تجارب شخصی خود را درباره مجریان قانون تعمیم می‌دهند و این تصورات است که مشروعیت قانون و مجریان آن را شکل می‌دهد. همچنین از نظر او خود کارگزاران از طریق عمل به شیوه‌هایی که افراد جامعه آن را عادلانه تجربه کنند می‌توانند ایجاد اعتماد کنند. در حقیقت واکنش‌های مردم بر اساس تجارب شخصی شان با کارگزاران اجتماعی، ریشه در ارزیابی‌هایشان از عادلانه بودن رویه‌هایی دارد که از آن کارگزاران در اعمال اقتدارشان استفاده می‌کنند (تایلر، ۲۰۰۱: ۱۱).

همچنین سانشاین و تایلر (۲۰۰۳) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که انصاف رویه‌ای که با شاخصی چون؛ رفتار با احترام و عزت با همه اعضای محله اندازه‌گیری می‌شود، بیشترین تأثیر را بر تصور از مشروعیت پلیس دارد. از نظر تایلر بنیان مشروعیت، عدالت رویه‌ای است که به وسیله قدرت‌های قانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس دیدگاه سنتی، پلیس مشروعیت خود را بر اساس موثر بودن در مبارزه با جرم بدست می‌آورند. رهبران سیاسی بر اساس موفقیت شان در شکل‌دهی فعالیت‌های اقتصادی ارزیابی می‌شوند و کارگران از مدیرانی تبعیت می‌کنند که آنها را به سوی موفقیت هدایت می‌کنند. اما تایلر در نظریه خود چارچوب متفاوتی را بیان می‌کند که در آن، مردم مشروعیت را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این چارچوب مرتبط با قابلیت یا عدالت تصمیمات گرفته شده یا سیاست‌های مرتبط با جایگاه‌های قانونی نیست. بلکه مشروعیت مرتبط با عدالت رویه‌ای است که از طریق آن پلیس و دادگاه‌ها، قانون را اجرا می‌کنند. تایلر در نظریه‌ی خود تأکید را بر روی بررسی دیدگاه‌های مردم درباره مشروعیت کلی قانون قرار می‌دهد، به جای آنکه فقط بر واکنش‌ها درباره تصمیم‌های مشخص تأکید کند. در این میان عدالت رویه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است. عدالت رویه‌ای (اینکه چگونه با مردم عادلانه برخورد می‌شود) و اعتماد مبتنی بر انگیزه (اعتماد به نیت کنشگران قانونی) بحث کلیدی از نظر



تایلر و هیو است (تایلر و هیو (۲۰۰۲). هم چنین بحث افه<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) درباره اعتماد آفرینی از طریق نهادها هم موید دیدگاه تایلر می باشد. افه از ارزش هایی نام می برد که افرادی که در نهادها فعالیت می کنند باید آن ها رعایت کنند تا بتوانند اعتماد افرادی را که با آنها سر و کار دارند جلب کنند. این ارزشها از نظر او عبارتند از: حقیقت گویی، وفای به عهد و عملکرد منصفانه و بی طرفانه نهادها. از نظر افه عملکرد منصفانه و بیطرفانه از طرف نهاد پلیس باعث جلب اعتماد شهروندان به مأموران پلیس و در نهایت سازمان پلیس می شود.

الیاسی به نقل از ایتلسون<sup>۲</sup> و دیگران (۲۰۰۳) بیان می کند که با افزایش میزان احساس امنیت شهروندان و کاهش دامنه آسیب ها و کجروی های اجتماعی، بر منزلت اجتماعی پلیس افزوده می شود، زیرا مردم، امنیت خود را بیش از هر چیز ناشی از عملکرد مطلوب و مهارت روزافزون پلیس می دانند (الیاسی، ۱۳۸۶). همچنین مینینگ و همکاران وی نشان داده اند که منزلت اجتماعی پلیس و نظامیان جامعه متاثر از سه دسته عوامل هستند. آنان این سه را چنین برشمرده اند: ۱- عوامل اجتماعی یا برون سازمانی، ۲- عوامل فردی و ۳- عوامل درون سازمانی (حسینیان و فهیمی، ۱۳۸۸: ۱۵). همچنین از نظر مینینگ و همکارانش، هر چقدر افراد پلیس، جذاب تر، داناتر، ورزیده تر، مجهز تر، خوش خلق تر و مرفه تر باشند، جامعه منزلت بیشتری برای آنان قائل خواهد شد. سرانجام آنکه مینینگ و همکاران وی معتقدند: نهاد پلیس نقش پراهمیتی در منزلت اجتماعی افراد خویش دارد. این محققان از بین عوامل سازمانی، نقش عواملی نظیر فرماندهی، تجهیزات، کیفیت سرویس دهی به مردم، شیوه تعامل با مردم، سرعت عمل و عملکرد را پراهمیت تر از سایر عوامل می دانند (همان). بنابراین، آنچه که عامل کاهش فاصله اجتماعی بین پلیس و مردم می باشد توانمندی پلیس است. از اینرو، اقتدار در عملکرد و خدمات رسانی مناسب به کارکنان خود، سبب تقویت شأن و منزلت نهاد پلیسی در جامعه است که در نهایت همه کارکنان پلیس از آن بهره مند خواهند بود. در خصوص تعیین عوامل موثر بر منزلت اجتماعی پلیس، به دو عامل مهم می توان اشاره نمود: عوامل توانمندی پلیس و عملکردی پلیس. الف) عوامل توانمندی پلیس شامل پنج معیار بوده که حرفه پلیس را برای دستیابی به

1. Offe

2. Etelson

منزلت اجتماعی بالا در جامعه توانمند می‌سازد. این عوامل شامل: ۱- حقوق و مزایا و امکانات رفاهی، ۲- هوش و خلاقیت، ۳- رعایت معیارهای اخلاقی، ۴- ویژگی‌های ظاهری و ۵- مقید بودن به انجام فرائض دینی می‌باشد. ب) عوامل عملکردی پلیس شامل چهار معیار بوده که در نتیجه این عملکرد، حرفه پلیس را برای دستیابی به منزلت اجتماعی بالا در جامعه مهیا می‌سازد. این عوامل شامل: ۱- وظیفه‌شناسی ۲- پرهیز از اعمال منفی، ۳- کیفیت تعامل با شهروندان و ۴- برقراری امنیت عمومی می‌باشد (علیزاده و محمد رضایی، ۱۳۸۴). چنانچه پلیس با اتخاذ تدابیر مناسب و انجام اقدامات مطلوب بتواند، بر احساس امنیت شهروندان بیافزاید، به همان میزان می‌تواند شأن و منزلت اجتماعی خویش را فزونی بخشد. نتایج تحقیق هود (۲۰۰۶) و وورال (۱۹۹۹) نیز حاکی از آن است که بین اقتدار پلیس و منزلت آن رابطه‌ای معناداری وجود دارد. اقتدار، قدرت و توان پلیس، نقشی مؤثر در به سامان رساندن ماموریت‌ها و مداخله‌ی موثر و کارآمد در جرایم اجتماعی است.

کائو و ژائو (۲۰۰۵) عامل اصلی بی‌اعتمادی به پلیس را بی‌ثباتی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عنوان کردند. کائو و هو (۲۰۰۱) نشان داده‌اند که بین عوامل اجتماعی - اقتصادی و عوامل نگرشی و اعتماد عمومی به پلیس رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. طبق نتایج تحقیقات مایهیل و بیک (۲۰۰۸)، عوامل ادراکی (ادراک از رفتار و خدمات منصفانه و محترمانه با مردم) نقشی مؤثر در اعتماد به پلیس دارند. متغیرهای نگرشی (با پنج مولفه پذیرش خرده فرهنگ‌های مختلف، رضایت از سطح دموکراسی، تمایلات سیاسی، ادراک تعارض در نظام سیاسی و رضایت شخصی از زندگی)، نیز نقش مهمی در اعتماد به پلیس دارند (جانگ و همکاران، ۲۰۱۰). هادون به عنوان یکی از صاحب‌نظران این حوزه معتقد است که اعتماد شهروندان به پلیس و تصور آن‌ها از مشروعیت پلیس به سطح سرمایه اجتماعی محله‌ها بستگی دارد (هادون ۲۰۰۸). اسکات (۲۰۰۲) معتقد است تعامل جامعه با پلیس موجب افزایش سرمایه اجتماعی محلات می‌شود و ضمن تاکید بر اینکه اعتماد و مشروعیت از لحاظ مفهومی مجزا هستند نتیجه می‌گیرد که سطح سرمایه اجتماعی محله‌ها بر تصور افراد از پلیس (اعتماد و مشروعیت پلیس) اثر می‌گذارد (کرافورد، ۲۰۰۶).

برخی محققین معتقدند که یکی از عوامل تأثیرگذار بر اعتماد و نگرش شهروندان، برداشت از میزان جرم در محله سکونتشان بوده به

طوری که پاسخگویانی که معتقد بودند میزان جرم در محله سکونتشان زیاد بوده، نگرش منفی نسبت به پلیس داشته‌اند و رضایت کمتری از پلیس داشته‌اند (ماکسن، هنیگن و اسلون، ۲۰۰۳). بر همین اساس یکی از معیارهای بررسی کارآمدی پلیس میزان جرم و جنایت در جامعه است. در تحقیقی که سیمز و همکاران (۲۰۰۲) انجام دادند مدلی برای نشان دادن عوامل تأثیرگذار بر میزان ترس از جرم و جنایت و به تبع آن نحوه نگرش نسبت به پلیس ساختند. این مدل نشان می‌دهد که نگرش‌ها نسبت به پلیس می‌تواند به وسیله ترس از جرم و جنایت تعدیل شود. این مدل توضیح می‌دهد که تعامل با پلیس اثر مستقیمی بر نحوه نگرش‌ها نسبت به پلیس و مشاهده و ادارک خشونت‌ها (نابهنجاری‌های اجتماعی) دارد که به وسیله ویژگی‌های جمعیت شناختی و اجتماعی تعیین شده است (باربارا سیمز، ۲۰۰۲: ۴۶۲). رنور (۲۰۰۷) ترس از جرم و احساس ناامنی را از دیدگاه نظریه کنترل اجتماعی تبیین کرده و توضیح می‌دهد که از دیدگاه نظریه کنترل اجتماعی، ترس از جرم و احساس ناامنی صرفاً واکنش عاطفی به تجربه قربانی شدن نیست، بلکه پیامد از بین رفتن کنترل اجتماعی است که ساکنان یک شهر آن را ادراک می‌کنند. بر اساس این رویکرد نظری، سازوکارهای بازدارنده ترس از جرم و احساس ناامنی شامل برداشت و ادارک همسایگان از ظرفیتهای کنترل اجتماعی غیر رسمی (همسایگی ساکنان و تمایل به مداخله در کالاهای همگانی و عمومی) و همچنین کنترل اجتماعی همگانی و عمومی (مثل رابطه بین نهادهای رسمی و دولتی) است (همتی، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

اعتماد سیاسی به جهت گیری موثر و محاسبه شده مردم به دولت باز می‌گردد و بر پایه این قرار دارد که تا چه حد دولت مطابق انتظارات هنجاری مردم رفتار می‌کند. اعتماد سیاسی بر مبنای چگونگی مطابقت رفتار دولت با انتظار هنجاری مردم تعریف می‌شود و با میزان حمایت مردم از نهادهای سیاسی مرتبط است. هر چقدر دولت بیشتر بتواند انتظارات هنجاری مردم را بر آورده سازد، بیشتر مورد اعتماد قرار می‌گیرد. نظام سیاسی باید برخی از قابلیت‌های خاص را کسب نماید تا بتواند مورد اعتماد مردم قرار گیرد. این قابلیت‌ها باعث می‌شود

که «انتظارات هنجاری» مردم برآورده شود و در نتیجه اعتماد سیاسی افزایش یابد (ردادی، ۱۳۹۰).

گودریان و همکارانش (۲۰۰۶) اظهار می کنند که سرمایه اجتماعی در هر کشوری موضوع مهمی است زیرا پیوند نزدیکی با مشروعیت نیروی پلیس دارد. آلبرت و گرین (۱۹۷۷) اشاره می کنند که نگرش ها به پلیس بطور کلی به عنوان انعکاس کننده ادارک شهروندان از حکومت خصوصاً نظام عدالت کیفری است (تایلر و همکاران، ۲۰۰۱: ۲۹۵). سرمایه اجتماعی پلیس یک موضوع نگرشی ساده ای نیست؛ بلکه یک موضوع سیاسی است که مرتبط با تصور عمومی و مشروعیت سیاسی نهادهای حکومتی است (کائو و هو، ۲۰۰۱: ۹۴). کائو و ژائو (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که محافظه کاری سیاسی و اطمینان به نظام سیاسی تاثیر معنی داری بر سرمایه اجتماعی پلیس دارد. مطالعات انجام شده بیانگر این است که ارزش های شخصی، فرهنگ و گرایشات سیاسی نقش مهمی را در ادارک افراد از کارآمدی پلیس ایفا می کند. بطور کلی مطالعات صورت گرفته بین چندین متغیر کلیدی نگرشی (چون اطمینان به نظام سیاسی و محافظه کاری سیاسی) و اعتماد به پلیس رابطه معنی داری وجود دارد (جانگ و دیگران، ۲۰۱۰: ۵۹). به اعتقاد گلدستین (۱۹۷۷) اگر افراد جامعه از نظام سیاسی کشورشان راضی باشند، نگرش مثبتی نسبت به پلیس خواهند داشت. بنابراین انتظار می رود که افراد محافظه کار سطح بالایی از اعتماد را به پلیس داشته باشند (جانگ و دیگران، ۲۰۱۰: ۵۹). شایگان در پژوهش خود با اشاره به نظر هزرینگتون (۱۹۹۸)، اعتماد به نظام سیاسی را به دو بخش حمایت خاص و حمایت عام تقسیم می کند که منظور از حمایت خاص، رضایت از عملکرد حکومت و اجرای اقتدار سیاسی است، در حالی که حمایت عام به نگرش مردم نسبت به رژیم و موضوعات سیاسی آن بر می گردد (شایگان، ۱۳۸۷: ۵۰).

از دیدگاه کارایانین، دو عاملی که در سطح اجتماع بر میزان اعتماد عمومی به پلیس تاثیر دارند عبارتند از: میزان فساد حکومتی و جایگاه نهادهای تامین کننده امنیت در بین دستگاه های دولتی. به عبارتی مهمترین عاملی که در سطح اجتماعی بر اعتماد مردم به پلیس تاثیر گذار است، ساختار و کیفیت حاکمیت می باشد. همانطور که روتستاین بیان کرده، یکی از عوامل اصلی در ایجاد اعتماد

(چه اعتماد تعمیم یافته و چه اعتماد به سازمانها) بی طرفی دولت در برخورد با مردم است (روتستاین، ۲۰۰۵: ۶۷). به علاوه فساد در دستگاه‌های دولتی نیز سبب کاهش اعتماد مردم به پلیس می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۸: ۶).

متغیر کارآمدی یکی از متغیرهای مهمی است که نظریه پردازان و محققین مختلفی به آن و رابطه آن با ابعاد سرمایه اجتماعی پلیس اشاره نموده‌اند. نتایج تحقیق بوتانگ (۲۰۱۲) بیانگر این بوده است که رضایت از کار پلیس بر اعتماد و نگرش به پلیس تأثیرگذار بوده است. به نظر کلمن (۱۳۷۷) سه منبع اساساً متفاوت اطلاعات بر اعتماد و نگرش مثبت به امین تأثیر می‌گذارند که یکی از آن‌ها کارآمدی و عملکرد امین می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که کارآمدی پلیس (امین) از نظر شهروندان یکی از عوامل تأثیرگذار بر اعتماد و نگرش آنها به پلیس است. همچنین دومین مبنای اعتماد در دیدگاه زتومکا عملکرد یا همان اعمال واقعی است. به عبارت بهتر، رفتار کنونی که در حال حاضر نتایجی را به بار آورده است. در واقع از این بحث زتومکا این نکته را می‌توان دریافت نمود که یکی از عوامل تأثیرگذار بر نگرش شهروندان نسبت به پلیس، کارآمدی و عملکرد پلیس است. از نظر ووروال ادارک مردم از کارآمدی پلیس به معنی کنترل و پیشگیری از جرائم، پشتیبانی از افراد بی گناه می‌باشد (ووروال، ۱۹۹۹: ۴۸). ویلسون و دنجز (۲۰۰۰) نیز اضافه می‌کنند ترس و ناامنی در طی زمان تأثیرات مخرب و منفی بر کیفیت زندگی دارد و منجر به مراقبت و محافظت غیر ضروری مردم از خودشان گشته و آن‌ها را از فعالیتهای اجتماعی باز داشته و سطح بی‌اعتمادی به دیگران را افزایش می‌دهد (همتی، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

از دیدگاه گرین و دکر (۱۹۸۹) ماهیت نگرش شهروندان به پلیس و نگرش پلیس به شهروندان یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده‌ای است که دو گروه می‌توانند برای کنترل جرایم با همدیگر کار کنند (وب و مارشال، ۱۹۹۵: ۴۵). در خصوص اعتماد، زتومکا صرف نظر از تشریح فرهنگ اعتماد و شرایط ساختاری مترتب بر آن، اعتماد را مبتنی بر سه عنصر؛ حسن شهرت، کارآمدی و ظواهر می‌داند. روحه و الیور<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) معتقدند از آنجایی که پلیس به طور بسیار فعال با مردم همکاری و تشریک مساعی می‌کند، موجب افزایش رضایتمندی

شهروندان می شود و هر چه رضامندی شهروندان از پلیس بیشتر باشد، ترس شهروندان از جرم کاهش می یابد. تقویت و تحکیم پیوندهای واقعی بین پلیس و شهروندان، ترس از جرم شهروندان را تقلیل می دهد. روزن بام و دیگران، ۲۰۰۵ نیز نشان می دهند که پلیس اجتماع محور، دید و نگرش شهروندان نسبت به پلیس را بهبود بخشیده است. اگر رفتار پلیس به عنوان ضامن امنیت و آرامش مردم، ناعادلانه و ناشایست ارزیابی شود، ممکن است منجر به اتخاذ برداشته هایی شود که متضمن احساس ناامنی است؛ زیرا شهروندان، دیگر ایمان و اعتقادی به عملکرد و اپایش اجتماعی نیروی انتظامی ندارند. فرگوسن و میندل<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نیز بیان می کنند که همکاری و تعامل روزافزون پلیس با شهروندان به طور مستقیم از طریق افزایش احساس اثربخشی و کارایی شهروندان، تحکیم روابط بین همسایگان و دخالت دادن آنها در امور همسایگی و شهر، احساس ترس و ناامنی آنها را کاهش می دهد. مشارکت شهروندان در گروه های پایش محل، آموزش نوجوانان و برنامه های پاکسازی، احساس همبستگی اجتماعی شهروندان را افزایش داده و به کاهش ترس و افزایش احساس امنیت آنها کمک می کند. شناخت منبع نگرش ها باعث توسعه بیشتر سیاست های مؤثر و برنامه های کارایی پلیسی می شود. اگر نگرش نسبت به پلیس تابع تعامل شهروند و پلیس باشد، پس بهبود نگرش ها نسبت به پلیس، کارایی پلیسی را نیز بهبود می دهد (وب و مارشال<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵: ۴۶). آنچه که در تبیین سرمایه اجتماعی پلیس مهم است اینکه سرمایه اجتماعی پلیس را نمی توان به صورت تک بعدی مطالعه و شناساند و نه آنکه در تبیین سرمایه اجتماعی پلیس، می توان به عامل تک بعدی تکیه کرد. مجموع مباحث فوق نشان می دهد که سرمایه اجتماعی پلیس یک مفهوم بسیار گسترده و چند بعدی است و هم عوامل مؤثر بر آن در تبیین سرمایه اجتماعی پلیس چند بعدی است. از اینرو در تحقیق حاضر برای شناخت سرمایه اجتماعی پلیس به مهمترین ابعاد پنجگانه آن شامل اعتماد به پلیس، مشارکت با پلیس، مشروعیت و مقبولیت پلیس، منزلت اجتماعی پلیس و اقتدار و توانمندی پلیس می باشد و عوامل اجتماعی شناخته شده مؤثر بر آن نیز شامل اعتماد به نظام

1. Rozen Bam and et all,

2. Fergosen, Mindel

3. Web, Mashal



سیاسی و کارایی نهادهای دولتی، پنداشت و آگاهی نسبت به پلیس، احساس امنیت اجتماعی، عدالت محوری و تجربه جرم می باشد.

بر اساس مطالعات تجربی و نظری انجام شده، عوامل جامعه شناختی مؤثر بر سرمایه اجتماعی پلیس شامل؛ قشربندی اجتماعی، احساس امنیت، قوم گرایی و خاستگاه خانوادگی، آگاهی اجتماعی و نگرش به پلیس، رضایتمندی، و مشارکت اجتماعی، پاسخگویی و عملکرد، اثربخشی انتظامی عملکرد پلیس و عدالت رویه‌ای، نگرش به پلیس و ... بوده است. علاوه بر عوامل جامعه شناختی مورد مطالعه در بررسی سرمایه اجتماعی پلیس، عوامل فردی افراد نظیر سن، تحصیلات، درآمد، تجارب شخصی، شغل و نظایر آن نیز مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. این عوامل آنقدر گوناگون است که تجمیع همه عوامل آن در چارچوب یک دستگاه مفهومی و تحلیلی غیر ممکن است بدین لحاظ در این مقاله با توجه به محدودیتهای تحقیق، تنها به بررسی برخی از این عوامل پرداخته خواهد شد.

جدول ۱- نظریه پردازان، مولفه‌ها و متغیرهای استفاده شده در تدوین مدل نظری

متغیر وابسته	نظریه پردازان	مولفه‌ها	متغیرهای مستقل
سرمایه اجتماعی پلیس	باربر، کلمن، زتومکا، ماکسن، هنیگن و اسلون، هارت، مینینگ، مولن، عزیزاده و رضایی، هود، وروال، ساعی و بخشی، راولینز، تایلر، رادلت، شیهان، پیلانت، گیدنز، گافمن	تخصص و وظیفه شناسی پلیس، ویژگی‌های ظاهری و رفتاری، پاسخگویی پلیس، توانمندی پلیس، شفافیت پلیس	پنداشت نسبت به کارآمدی پلیس
	اسکاپ و تایلر، تایلر و هیو، افه، مایهیل و بیگ، سانشاین و تایلر	عدالت رویه ای	احساس عدالت (عدالت محوری پلیس)
	تایلر، روتستاین، کاریا اینز، شارع پور، آلبرت و گرین، کائو و هو، جانگ، گلدستین، کائو و زائو	موفقیت مسئولین کشور در رفع مشکلات موفقیت نهادها در انجام وظایف	کارایی نهادهای دولتی
	تایلر، روتستاین، کاریا اینز، شارع پور، آلبرت و گرین، کائو و هو، جانگ، گلدستین، کائو و زائو، شایگان	اعتماد به نهادها اعتماد به کارگزاران	اعتماد سیاسی

احساس امنیت اجتماعی	احساس امنیت مالی، احساس امنیت جانی، احساس امنیت نوامیس، احساس امنیت اجتماعی	ایتلسون، عزیزاده و رضایی، ویلسون و دنجز	سرمایه اجتماعی پلیس
تجربه جرم	پنداشت نسبت به بروز جرائم (غیر مستقیم)	بابارا سیمز شایدر	
شناخت و آگاهی نسبت به پلیس	شناخت و آگاهی نسبت به پلیس	زتومکا، شایگان، بیات	

## فرصیات تحقیق

- پنداشت نسبت به کارآمدی پلیس بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.
- احساس امنیت اجتماعی بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.
- تجربه جرم بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.
- احساس عدالت (عدالت محوری پلیس) بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.
- کارایی نهادهای دولتی بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.
- اعتماد به نظام سیاسی بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.
- شناخت و آگاهی نسبت به پلیس بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.

## روش شناسی

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی-تبیینی و تکنیک آن پیمایش و ابزار آن نیز پرسشنامه است و در تحلیل از روش تحلیل کمی کمک گرفته شد. جمعیت آماری این تحقیق، کلیه شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر تهران است. یعنی سنجش و پیمایش سرمایه اجتماعی پلیس جامعه نمونه این پژوهش شامل شهروندان تهرانی بالای ۱۸ سال می باشد. طبق آمار، در سال ۱۳۹۰، جمعیت ۱۸ سال به بالای شهر تهران ۵,۰۵۵,۵۱۱ نفر می باشد. در این پژوهش تعداد جامعه نمونه با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای با فرمول کوکران انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. برای تعیین حجم نمونه، از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای و از خوشه‌بندی ده گانه محلات شهر تهران استفاده شد و از هر خوشه یک محله و از هر محله بلوک‌هایی انتخاب و با روش نمونه‌گیری تصادفی به صورت حضوری پرسشنامه‌ها تکمیل گردید. در این پژوهش ابتدا محلات شهر تهران بر اساس خوشه‌بندی تدوین شده در طرح فنی نمونه‌گیری در مناطق ۲۲ گانه



تهران(عبدی، ۱۳۹۰) بدون در نظر گرفتن منطقه با توجه به برخی از ویژگی های اقتصادی و اجتماعی و ... به ده خوشه تقسیم بندی شده اند. در پژوهش حاضر از تمامی ده خوشه، بلوک هایی انتخاب و پرسشنامه تکمیل گردید. تعداد نمونه از بلوکها مطابق انتخاب نمونه در تحقیقات پیمایشی و ویژگی نمونه گیری تصادفی و بدون توجه به تعداد جمعیت، از هر محله تعیین شد. بر همین اساس با بهره گیری از روش کوکران ۶۰۰ نفر انتخاب و از هر محله ۶۰ نفر بدون توجه به حجم جمعیت هر محله انتخاب گردید. براساس برآورد این فرمول و با دقت برآورد  $d = 0/04$  حداکثر واریانس  $pq = 0/25$  و سطح اطمینان ۹۵ درصد مشخص شد که با توجه به فرمول زیر ۶۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه منظور گردید.

$$n = \frac{(5.055511)(1/0)^2(0/5)}{(5.055511)(0/0)^2 + (1/0)^2(0/5)} = 600$$

## یافته های پژوهش

### • یافته های توصیفی

#### جنسیت

نتایج حاصل از سنجش جنسیت حاکی از این است که بیش از نیمی از پاسخگویان مورد مطالعه (۵۴ درصد) زن و مابقی (۴۶ درصد) مرد می باشند.

جدول (۱): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

درصد	فراوانی	شرح
۴۵,۷	۲۷۴	مرد
۵۴,۳	۳۲۶	زن
۱۰۰	۶۰۰	جمع

#### وضعیت تأهل

بر طبق اطلاعات جدول زیر، همانطور که ملاحظه می شود اکثریت پاسخگویان مورد مطالعه (۸۷ درصد) متأهل و مابقی (۱۳ درصد) مجرد می باشند.

جدول (۲): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل

شرح	فراوانی	درصد
مجرد	۸۰	۱۳,۳
متأهل	۵۲۰	۸۶,۷
جمع	۶۰۰	۱۰۰
جمع	۶۰۰	۱۰۰

### تحصیلات

در خصوص تحصیلات پاسخگویان نیز، نتایج جدول زیر حاکی از این است که بیش از یک سوم پاسخگویان مورد مطالعه (۲۳۴ نفر معادل ۳۹ درصد) دارای تحصیلات دیپلم می‌باشند. در رتبه دوم پاسخگویان با تحصیلات سیکل می‌باشند که ۲۲ درصد جمعیت تحقیق را تشکیل داده‌اند. لازم به ذکر است کمترین نسبت تحصیلاتی پاسخگویان مربوط به تحصیلات دکتری می‌باشد که کمتر از ۱ درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات

شرح	فراوانی	درصد
بیسواد	۸	۱,۳
ابتدایی	۳۸	۶,۳
راهنمایی	۱۳۴	۲۲,۳
دیپلم	۲۳۴	۳۹
فوق دیپلم	۱۰۴	۱۷,۳
لیسانس	۵۴	۹
فوق لیسانس	۲۶	۴,۳
دکتری	۲	۰,۳
جمع	۶۰۰	۱۰۰

## • یافته های استنباطی

به منظور آزمون فرضیات تحقیق از آزمون های پارامتریک (همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی) استفاده کنیم، شرط اول، بررسی نرمال بودن توزیع داده ها است، از این رو ابتدا به بررسی نرمال بودن داده های متغیرهای تحقیق پرداخته شده است.

## بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده های مربوط به متغیرهای تحقیق از آزمون کولموگروف اسمیرنف استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

جدول (۵) - بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق به کمک آزمون کولموگروف اسمیرنف

متغیر	Z	سطح معنی داری
کارایی نهادهای دولتی	۰,۷۰۵	۰,۷۰۳
پنداشت نسبت به کارآمدی پلیس	۰,۸۵۳	۰,۴۶۱
شناخت و آگاهی نسبت به فعالیت های پلیس	۱,۱۰۴	۰,۱۷۵
احساس عدالت	۰,۸۴۲	۰,۴۷۸
تجربه جرم	۰,۸۳۴	۰,۴۸۹
احساس امنیت اجتماعی	۱,۰۳۲	۰,۲۳۷
اعتماد سیاسی	۰,۸۱۵	۰,۵۱۹

در صورتی که سطح معنی داری آزمون کولموگروف اسمیرنف بیشتر از ۰,۰۵ باشد می توان نتیجه گرفت توزیع داده های مربوط به متغیرها نرمال است. همانطور که در جدول فوق گزارش شده است، سطح معنی داری همه متغیرهای تحقیق بزرگتر از ۰,۰۵ است، پس می توان گفت که توزیع داده های مربوط به متغیرها نرمال است. از این رو به منظور بررسی فرضیات تحقیق از آزمونهای پارامتریک استفاده شده است.

**فرضیه اول:** پنداشت نسبت به کارآمدی پلیس بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است. به منظور بررسی تأثیر پنداشت نسبت به کارآمدی پلیس بر سرمایه اجتماعی پلیس از رگرسیون خطی ساده استفاده شده است.

معناداری	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین (R <sup>۲</sup> )	(r پیرسون) ضریب همبستگی R	تعداد پاسخگویان	متغیرها
۰/۰۰۰	۰,۱۳۲	۰,۱۳۴	۰/۳۶۶	۶۰۰	کارآمدی پلیس
					سرمایه اجتماعی پلیس

مطابق جدول بالا با توجه به اینکه سطح معناداری که برابر با ۰/۰۰۰ و مقدار r پیرسون برابر با ۰/۳۶۶ است، می توان نتیجه گرفت که بین کارآمدی پلیس و سرمایه اجتماعی پلیس رابطه وجود دارد. بدین معنا که با بهبود کارآمدی پلیس میزان سرمایه اجتماعی آن نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین می توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه ما تایید و فرض H<sub>۰</sub> رد می شود.

منظور از R ضریب همبستگی چند گانه می باشد که شدت رابطه بین متغیر مستقل (پنداشت نسبت به کارآمدی پلیس) و متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی پلیس) را نشان می دهد و موید این مطلب است که شدت رابطه بین دو متغیر در حد متوسطی می باشد. منظور از R<sup>۲</sup> میزان برآورد واریانس (پراکندگی) متغیر سرمایه اجتماعی پلیس می باشد که توسط متغیر پنداشت نسبت به کارآمدی پلیس تبیین می شود. در تحقیق حاضر مشخص شد که ۱۳ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر سرمایه اجتماعی پلیس توسط متغیر پنداشت نسبت به کارآمدی پلیس تبیین می گردد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ معنادار می باشد، می توان گفت که متغیر پنداشت نسبت به کارآمدی پلیس قادر است تغییرات سرمایه اجتماعی پلیس را تبیین کنند. نتایج موید این مطلب است که متغیر پنداشت نسبت به کارآمدی پلیس بر سرمایه اجتماعی پلیس اثر مستقیم با شدتی متوسط دارد. ضریب بتای ۰,۳۶۶، پنداشت نسبت به کارآمدی پلیس بدان معناست که به ازای هر واحد تغییر در پنداشت نسبت به کارآمدی پلیس، ۰,۳۶۶ واحد تغییر در سرمایه اجتماعی پلیس بوجود می آید و از آنجا که جهت این رابطه مثبت است، تغییر به صورت مستقیم و از نوع افزایشنده می باشد. به بیانی دیگر هر چه مردم پنداشت بهتری نسبت به کارآمدی پلیس داشته باشند، ارزیابی بهتری از سرمایه اجتماعی پلیس نیز خواهند داشت.

**فرضیه دوم:** احساس امنیت اجتماعی بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.

به منظور بررسی تأثیر احساس امنیت اجتماعی بر سرمایه اجتماعی پلیس از رگرسیون خطی ساده استفاده شده است.

متغیرها	تعداد پاسخگویان	( $r$ ) پیرسون ضریب همبستگی $R$	ضریب تعیین ( $R^2$ )	ضریب تعیین تعدیل شده	معناداری
احساس امنیت اجتماعی	۶۰۰	۰,۳۹۲	۰,۱۵۴	۰,۱۵۲	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی پلیس					

مطابق جدول بالا با توجه به اینکه سطح معناداری که برابر با ۰/۰۰۰ و مقدار  $r$  پیرسون برابر با ۰/۳۹۲ است، می توان نتیجه گرفت که بین احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی پلیس رابطه وجود دارد. بدین معنا که به افزایش احساس امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی پلیس نیز افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین می توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه ما تایید و فرض  $H_0$  رد می شود.

با توجه به ضریب  $R = ۰,۳۹۲$  باید گفت شدت رابطه بین متغیر احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی پلیس در حد متوسطی می باشد و با توجه به ضریب  $R^2$  باید گفت، ۱۵ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر سرمایه اجتماعی پلیس توسط متغیر احساس امنیت اجتماعی تبیین می گردد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ معنادار می باشد، می توان گفت که متغیر احساس امنیت اجتماعی قادر است تغییرات سرمایه اجتماعی پلیس را تبیین کنند. نتایج حاصل حاکی از این است که متغیر احساس امنیت اجتماعی بر سرمایه اجتماعی پلیس اثر مستقیم با شدتی متوسط دارد. ضریب بتای ۰,۳۹۲، احساس امنیت اجتماعی بدان معناست که به ازای هر واحد تغییر در احساس امنیت اجتماعی، ۰,۳۹۲ واحد تغییر در سرمایه اجتماعی پلیس بوجود می آید و از آنجا که جهت این رابطه مثبت است، تغییر به صورت مستقیم و از نوع افزایشی می باشد. به بیانی دیگر هر چه مردم احساس امنیت بیشتری داشته باشند، ارزیابی بهتری از سرمایه اجتماعی پلیس خواهند داشت.

**فرضیه سوم:** تجربه جرم بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.

به منظور بررسی تأثیر تجربه جرم بر سرمایه اجتماعی پلیس از رگرسیون خطی ساده استفاده شده است.

متغیرها	تعداد پاسخگویان	(r پیرسون) ضریب همبستگی R	ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	ضریب تعیین تعدیل شده	معناداری
تجربه جرم	۶۰۰	-۰/۲۹۹	۰,۰۸۱	۰,۰۷۹	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی پلیس					

مطابق جدول بالا با توجه به اینکه سطح معناداری که برابر با ۰/۰۰۰ و مقدار r پیرسون برابر با ۰/۲۹۹- است، می توان نتیجه گرفت که بین تجربه جرم و سرمایه اجتماعی پلیس رابطه وجود دارد. بدین معنا که هرچه تجربه افراد نسبت به وقوع جرم بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی پلیس کاهش پیدا خواهد کرد و هرچه تجربه افراد نسبت به وقوع و تصور از جرائم کمتر باشد سرمایه اجتماعی پلیس افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین می توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه ما تایید و فرض H<sub>0</sub> رد می شود.

با توجه به ضریب  $R = -0/299$  باید گفت شدت رابطه بین متغیر تجربه جرم و سرمایه اجتماعی پلیس در حد ضعیفی می باشد و با توجه به ضریب R<sup>2</sup> باید گفت، ۸ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر سرمایه اجتماعی پلیس توسط متغیر تجربه جرم تبیین می گردد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ معنادار می باشد، می توان گفت که متغیر تجربه جرم قادر است تغییرات سرمایه اجتماعی پلیس را تبیین کند. نتایج حاصل حاکی از این است که متغیر تجربه جرم بر سرمایه اجتماعی پلیس اثر معکوس با شدتی ضعیف دارد. ضریب بتای ۰/۲۹۹-، بدان معناست که به ازای هر واحد تغییر در تجربه جرم شهروندان، ۰/۲۹۹- واحد تغییر در سرمایه اجتماعی پلیس بوجود می آید و جهت این رابطه منفی است. به بیانی دیگر هر چه شهروندان تجربه جرم کمتری داشته باشند، ارزیابی بهتری از سرمایه اجتماعی پلیس خواهند داشت.



**فرضیه چهارم:** احساس عدالت (عدالت محوری پلیس) بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.

به منظور بررسی تأثیر احساس عدالت (عدالت محوری پلیس) بر سرمایه اجتماعی پلیس از رگرسیون خطی ساده استفاده شده است.

متغیرها	تعداد پاسخگویان	r پیرسون (ضریب همبستگی R)	ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	ضریب تعیین تعدیل شده	معناداری
عدالت محوری پلیس	۶۰۰	۰,۱۳۰	۰,۰۱۷	۰,۰۱۵	۰/۰۰۱
سرمایه اجتماعی پلیس					

مطابق جدول بالا با توجه به اینکه سطح معناداری که برابر با ۰/۰۱ و مقدار r پیرسون برابر با ۰/۱۳۰ است، می توان نتیجه گرفت که بین عدالت محوری پلیس و سرمایه اجتماعی پلیس رابطه وجود دارد. بدین معنا که با افزایش احساس مردم نسبت به اعمال عدالت از سوی پلیس، سرمایه اجتماعی آن نیز افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین می توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه ما تایید و فرض H<sub>0</sub> رد می شود.

با توجه به ضریب  $R = 0,130$  باید گفت شدت رابطه بین متغیر احساس عدالت (عدالت محوری پلیس) و سرمایه اجتماعی پلیس در حد ضعیفی می باشد و با توجه به ضریب  $R^2$  باید گفت، ۲ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر سرمایه اجتماعی پلیس توسط متغیر احساس عدالت (عدالت محوری پلیس) تبیین می گردد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ معنادار می باشد، می توان گفت که متغیر احساس عدالت (عدالت محوری پلیس) قادر است تغییرات سرمایه اجتماعی پلیس را تبیین کند. نتایج حاصل حاکی از این است که متغیر احساس عدالت (عدالت محوری پلیس) بر سرمایه اجتماعی پلیس اثر مستقیم با شدتی ضعیف دارد. ضریب بتای ۰,۱۳۰، احساس عدالت (عدالت محوری پلیس) بدان معناست که به ازای هر واحد تغییر در احساس عدالت (عدالت محوری پلیس)، ۰,۱۳۰ واحد تغییر در سرمایه اجتماعی پلیس بوجود می آید و از آنجا که جهت این رابطه مثبت است، تغییر بصورت مستقیم و از نوع افزایشی می باشد. به بیانی دیگر هر چه ارزیابی شهروندان

از رفتار پلیس در خصوص رفتار عادلانه (عدالت محوری پلیس) افزایش یابد، ارزیابی بهتری از سرمایه اجتماعی پلیس خواهند داشت.

**فرضیه پنجم:** کارایی نهادهای دولتی بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.

به منظور بررسی تأثیر کارایی نهادهای دولتی بر سرمایه اجتماعی پلیس از رگرسیون خطی ساده استفاده شده است.

معناداری	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	تعداد پاسخگویان	متغیرها
۰/۰۰۰	۰,۱۹۷	۰,۱۹۸	۰/۴۴۵	کارایی نهادهای دولتی
				سرمایه اجتماعی پلیس

مطابق جدول بالا با توجه به اینکه سطح معناداری که برابر با ۰/۰۰۰ و مقدار  $r$  پیرسون برابر با ۰/۴۴۵ است، می توان نتیجه گرفت که بین پنداشت نسبت به کارایی نهادهای دولتی و سرمایه اجتماعی پلیس رابطه وجود دارد. بدین معنا که با بهبود کارایی نهادهای دولتی، سرمایه اجتماعی پلیس نیز افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین می توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه ما تایید و فرض  $H_0$  رد می شود.

با توجه به ضریب  $R = ۰,۴۴۵$  باید گفت شدت رابطه بین متغیر پنداشت نسبت به کارایی نهادهای دولتی و سرمایه اجتماعی پلیس در حد ضعیفی می باشد با توجه به سطح معناداری به دست آمده که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ معنادار می باشد، می توان گفت که متغیر کارایی نهادهای دولتی قادر است تغییرات سرمایه اجتماعی پلیس را تبیین کنند. نتایج حاصل حاکی از این است که متغیر کارایی نهادهای دولتی بر سرمایه اجتماعی پلیس اثر مستقیم با شدتی ضعیف دارد. ضریب بتای ۰,۴۴۵، پنداشت نسبت به کارایی نهادهای دولتی بدان معناست که به ازای هر واحد تغییر در پنداشت نسبت به کارایی نهادهای دولتی، ۰,۴۴۵ واحد تغییر در سرمایه اجتماعی پلیس بوجود می آید و از آنجا که جهت این رابطه مثبت است، تغییر به صورت مستقیم و از نوع افزایشدهنده می باشد. به بیانی دیگر هر چه پنداشت نسبت به کارایی نهادهای دولتی افزایش یابد، ارزیابی بهتری از سرمایه اجتماعی پلیس خواهند داشت.





**فرضیه ششم:** اعتماد سیاسی (نهادها و کارگزاران) بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.

به منظور بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر سرمایه اجتماعی پلیس از رگرسیون

خطی ساده استفاده شده است.

متغیرها	تعداد پاسخگویان	r پیرسون	ضریب تعیین (R <sup>۲</sup> )	ضریب تعیین تعدیل شده	معناداری
اعتماد سیاسی	۶۰۰	۰/۲۹۵	۰,۰۸۷	۰,۰۸۶	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی پلیس					

مطابق جدول بالا با توجه به اینکه سطح معناداری که برابر با ۰/۰۰۰ و مقدار r پیرسون برابر با ۰/۲۹۵ است، می توان نتیجه گرفت که بین اعتماد به نظام سیاسی و سرمایه اجتماعی پلیس رابطه وجود دارد. بدین معنا که با افزایش اعتماد به نظام سیاسی، سرمایه اجتماعی پلیس نیز افزایش پیدا خواهد کرد بنابراین می توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه ما تایید و فرض H<sub>۰</sub> رد می شود. با توجه به ضریب R = ۰,۲۹۵ باید گفت شدت رابطه بین متغیر اعتماد سیاسی به نهادها و کارگزاران و سرمایه اجتماعی پلیس در حد ضعیفی می باشد با توجه به سطح معناداری به دست آمده که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ معنادار می باشد، می توان گفت که ۹ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر سرمایه اجتماعی پلیس توسط متغیر اعتماد سیاسی به نهادها و کارگزاران قادر است تغییرات سرمایه اجتماعی پلیس را تبیین کنند. نتایج حاصل حاکی از این است که متغیر اعتماد سیاسی به نهادها و کارگزاران بر سرمایه اجتماعی پلیس اثر مستقیم با شدتی ضعیف دارد. ضریب بتای ۰,۲۹۵، اعتماد سیاسی بدان معناست که به ازای هر واحد تغییر در اعتماد سیاسی، ۰,۲۹۵ واحد تغییر در سرمایه اجتماعی پلیس بوجود می آید. به بیانی دیگر هر چه اعتماد سیاسی به نهادها و کارگزاران افزایش یابد، ارزیابی بهتری از سرمایه اجتماعی پلیس خواهند داشت.

**فرضیه هفتم:** شناخت و آگاهی نسبت به فعالیتهای پلیس بر سرمایه اجتماعی پلیس مؤثر است.

به منظور بررسی تأثیر شناخت و آگاهی نسبت به فعالیت های پلیس بر سرمایه اجتماعی پلیس از رگرسیون خطی ساده استفاده شده است.

متغیرها	تعداد پاسخگویان	( $r$ پیرسون) ضریب همبستگی $R$	ضریب تعیین ( $R^2$ )	ضریب تعیین تعدیل شده	معناداری
شناخت نسبت به فعالیتهای پلیس	۶۰۰	۰/۱۴۸	۰,۰۲۲	۰,۰۲۰	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی پلیس					

مطابق جدول بالا با توجه به اینکه سطح معناداری که برابر با ۰/۰۰۰ و مقدار  $r$  پیرسون برابر با ۰/۱۴۸ است، می توان نتیجه گرفت که بین شناخت نسبت به فعالیتهای پلیس و سرمایه اجتماعی پلیس رابطه وجود دارد. بدین معنا که هرچه شناخت و آگاهی نسبت به پلیس بیشتر شود، سرمایه اجتماعی پلیس نیز بیشتر خواهد شد. بنابراین می توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه ما تایید و فرض  $H_0$  رد می شود.

با توجه به ضریب  $R = ۰,۱۴۸$  باید گفت شدت رابطه بین متغیر شناخت و آگاهی شهروندان نسبت به فعالیت های پلیس و سرمایه اجتماعی پلیس در حد ضعیفی می باشد و با توجه به ضریب  $R^2$  باید گفت، ۲ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر سرمایه اجتماعی پلیس توسط متغیر شناخت و آگاهی شهروندان نسبت به فعالیت های پلیس تبیین می گردد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ معنادار می باشد، می توان گفت که متغیر شناخت و آگاهی شهروندان نسبت به فعالیت های پلیس قادر است تغییرات سرمایه اجتماعی پلیس را تبیین کنند. نتایج حاکی از این است که متغیر شناخت و آگاهی شهروندان نسبت به فعالیت های پلیس بر سرمایه اجتماعی پلیس اثر مستقیم با شدتی ضعیف دارد. ضریب بتای ۰,۱۴۸، شناخت و آگاهی شهروندان نسبت به فعالیت های پلیس بدان معناست که به ازای هر واحد تغییر در شناخت و آگاهی شهروندان نسبت به فعالیت های پلیس، ۰,۱۴۸ واحد تغییر در سرمایه اجتماعی پلیس بوجود می آید و از آنجا که جهت این رابطه مثبت

است، تغییر به صورت مستقیم و از نوع افزایشنده می‌باشد. به بیانی دیگر هر چه شهروندان شناخت و آگاهی بیشتری نسبت به فعالیت‌های پلیس داشته باشند، ارزیابی بهتری از سرمایه اجتماعی پلیس خواهند داشت.

### بررسی همبستگی‌های مشترک بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی پلیس

یک بررسی در مولفه‌های سرمایه اجتماعی پلیس نیز نتایج قابل توجهی را ارائه می‌نماید. در این پژوهش سرمایه اجتماعی پلیس با پنج متغیر شامل مشروعیت، اقتدار، اعتماد، مشارکت و منزلت مورد مطالعه قرار گرفت. آزمون همبستگی بین این مولفه‌ها که در جدول مربوط به ماتریس همبستگی‌های مشترک بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی پلیس در زیر نشان داده شده حاکی از آن است که اقتدار پلیس با سایر متغیرهای سرمایه اجتماعی رابطه معکوس دارد.

جدول (۶) - ماتریس هم پراکنش، کوواریانس ابعاد سرمایه اجتماعی پلیس

منزلت	مشارکت	اقتدار پلیس	اعتماد به پلیس	مشروعیت	
				۱	مشروعیت
			۱	۰,۹۶	اعتماد به پلیس
		۱	۰,۷۴	-۰,۶۱	اقتدار پلیس
	۱	-۰,۹۵	۰,۸۵	۰,۱۲	مشارکت
۱	-۰,۷۴	۰,۱۸	۰,۹۷	۰,۳۶	منزلت

اقتدار پلیس با مشروعیت به میزان ۶۱ درصد و با مشارکت به میزان ۹۵ درصد دارای همبستگی معکوس است. اقتدار با منزلت به میزان ۱۸ درصد دارای همبستگی ضعیف است. در اینجا اقتدار فقط با اعتماد رابطه مثبت و قوی دارد. بنابراین اقتدار پلیس نیازمند اعتماد مردم است. اما در حوزه‌هایی نظیر مشارکت مردم و مشروعیت ارتباط مناسبی نداشته و نیازی به منزلت اجتماعی پلیس نمی‌بیند. منزلت اجتماعی پلیس رابطه مثبتی با مشارکت اجتماعی پلیس ندارد. و به نظر می‌رسد که منزلت اجتماعی پلیس به ابزارها و نیازهای درون سازمانی مرتبط است و ارتباط چندانی با مشارکت اجتماعی پلیس با مردم مشاهده نمی‌شود. بیشترین ارتباط منزلت اجتماعی پلیس با اعتماد به پلیس به میزان ۹۷ درصد

است و ارتباط ضعیفی با اقتدار و مشروعیت پلیس دارد. بین مشارکت اجتماعی و اعتماد پلیس رابطه قوی به میزان ۸۵ درصد و به صورت مثبت مشاهده می‌شود. رابطه مشارکت با اقتدار پلیس به شدت منفی است و ارتباط چندانی با مشروعیت پلیس ندارد. مشروعیت پلیس ارتباط بسیار قوی به میزان ۹۵ درصد با اعتماد به پلیس دارد. ارتباط مشروعیت پلیس با اقتدار منفی است. و ارتباط چندانی با مشارکت و منزلت اجتماعی پلیس ندارد. با توجه به پنج مؤلفه مورد اشاره در سرمایه اجتماعی پلیس، اعتماد به پلیس قویترین متغیر و مؤلفه سرمایه اجتماعی پلیس است. به طوری که اعتماد به پلیس با اقتدار پلیس به میزان ۷۴ درصد، با مشارکت پلیس به میزان ۸۵ درصد، با منزلت پلیس به میزان ۹۷ درصد، و با مشروعیت پلیس به میزان ۹۶ درصد اثر مثبتی دارد. بنابراین می‌توان گفت که اعتماد به پلیس هسته مرکزی سرمایه اجتماعی پلیس است که همبستگی بسیار خوب و مثبتی با سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی پلیس دارد.

### توضیح شاخص‌های برازش تبیین مدل سرمایه اجتماعی پلیس

میزان خطای مدل به میزان ۸ درصد نشان می‌دهد که مقداری خطای بالاتر از خطای معقول ۵ درصد وجود دارد و به این دلیل نمودار مدل در خروجی نرم افزار لیزرل داده نشده است. با این تفاسیر شاخص‌های برازش مدل نظیر (،NFI) (GFI)، (CFI)، (NNFI) و (AGFI) بیانگر آن است که مدل مفهومی برای تبیین سرمایه اجتماعی پلیس از برازش مطلوبی برخوردار بوده است.

### تحلیل رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام<sup>۱</sup>

تا به حال به تحلیل یک متغیره و دو متغیره تک تک متغیرهای مستقل و وابسته پرداختیم. در اینجا برای اینکه کلیه متغیرهای مستقل با هم وارد تحلیل شوند و تاثیر همزمان آن‌ها را بسنجیم، از رگرسیون چند متغیره استفاده نموده‌ایم. در این تحقیق در انجام رگرسیون، از روش گام به گام استفاده کرده‌ایم:



جدول (۷) - معرفی متغیرهای وارد شده / حذف شده و روش به کار رفته در انجام رگرسیون

Variables Entered/Removed

Method	Variables Removed	Variables Entered	Model
=> Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter < .۰۵۰, Probability-of-F-to-remove <= .۱۰۰).	.	احساس امنیت اجتماعی	۱
=> Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter < .۰۵۰, Probability-of-F-to-remove <= .۱۰۰).	.	کارایی نهادهای دولتی	۲
=> Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter < .۰۵۰, Probability-of-F-to-remove <= .۱۰۰).	.	کارآمدی پلیس	۳
=> Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter < .۰۵۰, Probability-of-F-to-remove <= .۱۰۰).	.	شناخت از وظایف پلیس	۴

a. Dependent Variable: سرمایه اجتماعی پلیس

همانگونه که جدول بالا نشان می دهد از بین متغیرهای تحقیق، متغیرهای احساس امنیت اجتماعی، کارایی نهادهای دولتی، کارآمدی پلیس و شناخت نسبت به وظایف پلیس وارد مدل شده اند و سایر متغیرها مثل تجربه جرم، مصرف رسانه ای، اعتماد به نظام سیاسی و عدالت محوری پلیس و متغیرهای زمینه ای توسط نرم افزار حذف گردیده اند.

جدول شماره (۸) - ضرایب همبستگی و تعیین در گام های مختلف

Model	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب تعیین تعدیل شده ۱	خطای برآورد استاندارد	دوربین - واتسون ۲
۱	۴۷۲a.	۰,۲۲۳	۰,۲۲۰	۶,۱۷۴۷۷	
۲	۵۴۹b.	۰,۳۰۲	۰,۲۹۷	۵,۸۶۳۹۴	
۳	۵۷۱c.	۰,۳۲۶	۰,۳۱۸	۵,۷۷۲۵۱	
۴	۵۸۰d.	۰,۳۳۶	۰,۳۲۶	۵,۷۳۸۶۰	۱,۸۳۷

مقایسه نتایج جدول بالا نشان می دهد که عملیات رگرسیون تا چهار مرحله انجام شده است و میزان ضریب همبستگی چند گانه و ضریب تعیین در هر مرحله نسبت به مرحله قبل افزایش داشته است. بررسی متغیرهای مستقل نشان می دهد که در هر متغیرهای مستقل جدول تاثیر قابل قبولی بر متغیر وابسته داشته اند.

همانگونه که ملاحظه می شود این چهار متغیر به میزان  $(r=0.58)$  با متغیر وابسته همبستگی دارند. ضریب تعیین تعدیل شده<sup>۱</sup> حاصله نیز بیانگر آنست که ۳۲ درصد از تغییرات موجود در سرمایه اجتماعی پلیس، تابع متغیرهای مستقل مزبور است. از آنجا که مقدار آماره دوربین- واتسون نزدیک به ۲ است می توان اطمینان یافت که پیش فرض استقلال باقی مانده ها نیز در تحلیل رگرسیونی رعایت شده است.

جدول (۹) - نتایج آزمون معناداری رگرسیون در گام های مختلف

سطح معنی داری	F	میانگین	درجه آزادی	مجموع	Model	
					Regression	Residual
۰۰۰b.	۷۹,۷۸۳	۳۰۴۱,۹۶۱	۱	۳۰۴۱,۹۶۱	Regression	۱
			۲۷۸	۱۰۵۹۹,۵۲۵	Residual	
			۲۷۹	۱۳۶۴۱,۴۸۶	Total	
۰۰۰c.	۵۹,۸۵۹	۲۰۵۸,۳۱۳	۲	۴۱۱۶,۶۲۵	Regression	۲
			۲۷۷	۹۵۲۴,۸۶۰	Residual	
			۲۷۹	۱۳۶۴۱,۴۸۶	Total	
۰۰۰d.	۴۴,۴۶۲	۱۴۸۱,۵۴۵	۳	۴۴۴۴,۶۳۴	Regression	۳
			۲۷۶	۹۱۹۶,۸۵۱	Residual	
			۲۷۹	۱۳۶۴۱,۴۸۶	Total	
۰۰۰e.	۳۴,۸۰۹	۱۱۴۶,۳۲۹	۴	۴۵۸۵,۳۱۷	Regression	۴
			۲۷۵	۹۰۵۶,۱۶۹	Residual	
			۲۷۹	۱۳۶۴۱,۴۸۶	Total	

جدول فوق به بررسی معناداری مدل رگرسیونی به تفکیک مراحل سه گانه پرداخته است. همانطور که ملاحظه می شود نسبت میانگین مجذورات رگرسیون باقی مانده در هر چهار مرحله بالاست (سطح معنی داری  $0.000$  و  $F=34,809$  که نشان دهنده اهمیت متغیرهای مستقل می باشد).

1. Adjusted R Square

جدول (۱۰) - متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون و ضرایب تاثیر آنها در گام‌های مختلف

سطح معنی داری	t	ضریب تاثیر استاندارد نشده		Model	
		Beta	ضریب خطای استاندارد B		
۰,۰۰۰	۷۰,۳۹۳		۱,۶۴۶	۱۱۵,۸۷۲	مقدار ثابت
۰,۰۰۰	۸,۹۳۲	۰,۴۷۲	۰,۰۶۶	۰,۵۸۵	احساس امنیت اجتماعی
۰,۰۰۰	۲۲,۸۸۷		۴,۱۲۹	۹۴,۵۰۵	مقدار ثابت
۰,۰۰۰	۷,۰۵۸	۰,۳۷۵	۰,۰۶۶	۰,۴۶۵	احساس امنیت اجتماعی
۰,۰۰۰	۵,۵۹۰	۰,۲۹۷	۰,۰۵۶	۰,۳۱۵	کارایی نهادهای دولتی
۰,۰۰۰	۱۴,۰۱۷		۵,۸۱۲	۸۱,۴۷۱	مقدار ثابت
۰,۰۰۰	۶,۰۱۲	۰,۳۲۷	۰,۰۶۸	۰,۴۰۶	احساس امنیت اجتماعی
۰,۰۰۰	۴,۶۷۸	۰,۲۵۳	۰,۰۵۷	۰,۲۶۹	کارایی نهادهای دولتی
۰,۰۰۲	۳,۱۳۷	۰,۱۷۲	۰,۰۵۱	۰,۱۵۹	کارآمدی پلیس
۰,۰۰۰	۱۲,۳۱۱		۶,۲۲۸	۷۶,۶۶۸	مقدار ثابت
۰,۰۰۰	۵,۸۳۷	۰,۳۱۷	۰,۰۶۷	۰,۳۹۳	احساس امنیت اجتماعی
۰,۰۰۰	۴,۶۶۸	۰,۲۵۱	۰,۰۵۷	۰,۲۶۷	کارایی نهادهای دولتی
۰,۰۰۱	۳,۳۲۹	۰,۱۸۲	۰,۰۵۱	۰,۱۶۸	کارآمدی پلیس
۰,۰۴۰	۲,۰۶۷	۰,۱۰۲	۰,۱۱۷	۰,۲۴۱	شناخت از وظایف پلیس

نتایج مندرج در جدول بالا شدت و جهت تاثیر متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌شود مهمترین متغیرهای مستقلی که بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته دارد به ترتیب عبارتند از احساس امنیت اجتماعی (۰/۳۱۷)، کارایی نهادهای دولتی (۰/۲۵۱)، کارآمدی پلیس (۰/۱۸۲) و شناخت نسبت به وظایف پلیس (۰/۱۰۲).

## نتیجه گیری

نتایج این پژوهش برگرفته از یک پیمایش اجتماعی است. در این مطالعه به منظور بررسی سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شد. بر این اساس متغیرهای (عدالت محوری پلیس (احساس عدالت)، تجربه جرم، اعتماد به نظام سیاسی، احساس امنیت اجتماعی، کارایی نهادهای دولتی، کارآمدی پلیس، و شناخت و آگاهی نسبت به وظایف پلیس) به روش گام به گام وارد معادله رگرسیونی شدند. نتایج تحلیل رگرسیونی بیانگر این بوده که در گام آخر چهار متغیر کارایی نهادهای دولتی، احساس امنیت اجتماعی، پنداشت نسبت به کارایی پلیس و شناخت و آگاهی نسبت به وظایف و اقدامات پلیس به ترتیب بیشترین واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده و در مدل باقی مانده‌اند و بقیه متغیرها مثل تجربه جرم، مصرف رسانه‌ای، اعتماد به نظام سیاسی و عدالت محوری پلیس و متغیرهای زمینه‌ای توسط نرم افزار حذف از معادله خارج شده‌اند. این متغیرها در مجموع توانسته‌اند ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

بررسی متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تأثیر قابل قبولی بر متغیر وابسته داشته‌اند. این چهار متغیر به میزان  $(r^2 = 0,58)$  با متغیر وابسته همبستگی دارند. ضریب تعیین تعدیل شده<sup>۱</sup> حاصله نیز بیانگر آنست که ۳۲ درصد از تغییرات موجود در سرمایه اجتماعی پلیس، تابع متغیرهای مستقل مزبور است. مهمترین متغیرهای مستقلی که بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد به ترتیب عبارتند از احساس امنیت اجتماعی (۰/۳۱۷)، کارایی نهادهای دولتی (۰/۲۵۱)، کارآمدی پلیس (۰/۱۸۲) و شناخت نسبت به وظایف پلیس (۰/۱۰۲).

همانگونه که ماتریس همبستگی‌های مشترک بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی پلیس نیز نشان می‌دهد، اقتدار پلیس با سایر متغیرهای سرمایه اجتماعی رابطه معکوس دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اعتماد به پلیس هسته مرکزی سرمایه اجتماعی پلیس محسوب می‌گردد که دارای همبستگی بسیار خوب و مثبتی با سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی پلیس است. در مقابل اقتدار فقط با اعتماد رابطه مثبت و قوی دارد. بنابراین اقتدار پلیس نیازمند اعتماد مردم است.

---

1. Adjusted R Square



اما این مولفه در حوزه‌هایی نظیر مشارکت مردم و مشروعیت ارتباط مناسبی نداشته و نیازی به منزلت اجتماعی پلیس نمی‌بیند. از جمله پیشنهادهای قابل اتکای این پژوهش توجه به بعد نرم‌افزاری اقتدار در ناجا و برنامه‌ریزی گسترده برای بهره‌گیری از ابزارهای مناسب در این حوزه است تا بتوان تعادل نسبی میان مولفه‌های اعتماد، مشارکت، مشروعیت و منزلت با بعد اقتدار پلیس برقرار نموده و نتایج مثبتی را هم برای پلیس و هم برای جامعه به ارمغان آورد.

به نظر می‌رسد توجه به رویکرد اقتدار نرم پلیس می‌تواند این خلاء بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی پلیس را تا حد زیادی پر نماید. به عبارتی ارتقای سرمایه اجتماعی پلیس بنا بر تعریفی که از آن ارائه گردید و مولفه‌ها و ویژگی‌های آن، نیازمند وجود همزمان و همپایه ارکان و مولفه‌های اصلی آن می‌باشد و خدشه در هر یک از مولفه‌ها می‌تواند تاثیری بسیار مخرب بر سرمایه اجتماعی پلیس وارد نماید.

سرمایه اجتماعی پلیس با میزان اعتماد جامعه به پلیس، سطح مشارکت مردم با پلیس، درجه مقبولیت و نیز وجهه و منزلت اجتماعی پلیس و سطح اقتدار پلیس در جامعه سنجیده و بیان می‌شود. از این رو هر یک از این مولفه‌ها نیز با شاخص‌ها و پارامترهایی که درجه یا میزان سرمایه اجتماعی پلیس را تعیین می‌نماید محک می‌خورد که در مجموع منجر به ارتقای کارآمدی نیروی پلیس در ایجاد نظم و امنیت از طریق ایجاد بسترها و زمینه‌هایی برای ارتقای تعاملی و کارکردی فعالیتهای پلیس می‌باشند. وجود، گسترش و ارتقای این مولفه‌ها به افزایش سرمایه اجتماعی پلیس و در نتیجه ارتقای کارآمدی آن و عدم وجود، آسیب و کاهش این مولفه‌ها به زوال و افول سرمایه اجتماعی پلیس و در نتیجه کاهش کارآمدی آن منجر خواهد گردید. لذا توجه به بعد اقتدار نرم پلیس در کنار بعد سخت‌افزاری و سخت آن می‌تواند شکاف موجود در سرمایه اجتماعی پلیس را پر نموده همانگونه که از سرمایه اجتماعی پلیس به عنوان توانایی، ظرفیت و قدرت نرم پلیس در برقراری ارتباط با مردم به منظور انتظام بخشی هر چه بیشتر در جامعه تعریف گردید عمل نماید.

**با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌گردد:**

۱. با توجه به محوریت بعد اعتماد به پلیس در بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی پلیس، برنامه ریزی مناسبی برای افزایش اعتماد شهروندان به پلیس انجام پذیرد. استفاده از کلیه قابلیت‌ها و ظرفیتهای سازمانی و ملی مورد انتظار است.
۲. میزان اقتدار پلیس و رابطه آن با سایر ابعاد بویژه سطح مشارکت شهروندان با پلیس بستگی به شیوه و ابزارهای مورد استفاده در حوزه اقتدار دارد. با توجه به شکنندگی رابطه بین این مولفه‌ها، سیاستگذاری دقیق در این زمینه ضروری است.
۳. نسبت به گفتمان سازی و آگاهی بخشی در خصوص سرمایه اجتماعی پلیس و ابعاد آن و تاثیر آن بر کارآمدی و تغییر نگرش شهروندان، به فرماندهان و مدیران ناجا اقدام و برنامه ریزی مناسبی صورت پذیرد.
۴. با توجه به تاثیر عملکرد و نگرش مردم نسبت به سایر سازمانهایی که بر میزان سرمایه اجتماعی پلیس تاثیر گذارند برنامه ریزی مناسبی انجام پذیرد.
۵. در یک طرح تحقیقاتی کلان، سرمایه اجتماعی پلیس در کلیه استانهای کشور مورد سنجش قرار گیرد و این موضوع به صورت سالیانه در دستور کار معاونت اجتماعی قرار گیرد.
۶. طرح‌های تحقیقاتی راهبردی به منظور انجام تحلیل‌های راهبردی در سطوح استانی و کشوری انجام و بر اساس آن برنامه ریزی‌های مناسبی در دستور کار قرار گیرد.
۷. نسبت به تدوین، اعتبارسنجی و استانداردسازی پرسشنامه‌های سرمایه اجتماعی پلیس اقدام و مبنای سنجش در این زمینه قرار گیرد.
۸. با توجه به یافته‌های پژوهش، تحقیق مجزایی در خصوص نسبت و رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی پلیس با یکدیگر انجام پذیرد.

- ابراهیم پور، حبیب. (۱۳۸۹). ارائه مدلی برای تبیین اعتماد عمومی به پلیس. طرح تحقیقاتی، نیروی انتظامی ج.ا.ایران، معاونت اجتماعی ناجا، اداره کل مطالعات اجتماعی
- الیاسی، محمد حسین و احمد رضا رادان. (۱۳۸۶). رابطه منزلت اجتماعی پلیس با میزان احساس امنیت شهروندان تهرانی، فصلنامه امنیت، ویژه نامه افکار عمومی و امنیت، سال پنجم، شماره ۴، ۵۳-۷۴
- بخشی، قدیر. (۱۳۹۰). تبیین جامعه شناختی اعتماد شهروندان تهرانی به پلیس، دانشگاه تربیت مدرس، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی
- بخشی، قدیر، غلامرضا غفاری. (۱۳۹۱). تبیین جامعه شناختی سرمایه اجتماعی پلیس، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۲، ۱۳-۴۰
- بیات، بهرام. (۱۳۸۹). تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت عمومی، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم، شماره مسلسل ۴۷، ۵۱-۸۶
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی، توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه
- حسین زاده، علی؛ علی عنبری (۱۳۸۹). تبیین جامعه شناختی میزان اعتماد مردم به پلیس در برخورد با یک مسئله اجتماعی در شهر اهواز، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۴، ۱۶۱-۱۹۰
- حسینیان، شهابت و علی فهیمی (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر منزلت اجتماعی پلیس و راهنمایی و رانندگی، فصلنامه ی مطالعات مدیریت ترافیک، شماره ۱۳؛ ۱۱-۳۴
- دعاگویان، داود و محمدرضا رفیعی (۱۳۸۸). بررسی میزان سرمایه اجتماعی پلیس راهور و نقش آن در رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، مطالعات مدیریت ترافیک سال سوم، شماره ۱۱، صص ۸۳-۱۰۴
- دوستدار، غفاری، آب نیکی و عبدی، (۱۳۹۵). تبیین نظری سرمایه اجتماعی پلیس؛ تلاش برای مفهوم سازی، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال نهم، شماره ۳۳، ۱۰۸-۷۵
- ردادی، محسن (۱۳۹۰) نظریه اعتماد سیاسی، با تاکید بر گفتمان اسلامی، تهران:

انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)

- ساعی، علی (۱۳۸۷). روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، چاپ دوم. انتشارات سمت
- شارع پور، محمود (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی به نیروهای انتظامی (مطالعه موردی: استان مازندران)، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی ۳۶، شماره ۴، زمستان، صص ۱-۱۶
- شایگان، فریبا (۱۳۸۷). بررسی میزان اعتماد مردم به پلیس (مطالعه موردی شهر تهران). فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱۰، ۶۲-۳۷
- شایگان، فریبا (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردم در جهت برقراری نظم و امنیت، فصلنامه نظم و امنیت، سال دوم شماره اول، ۷۸-۵۹
- شجری، مهدی (۱۳۹۲). بررسی رابطه عزت نفس کارکنان پلیس فرماندهی انتظامی شهرستان بجنورد با مقبولیت آنان در بین شهروندان، دانشگاه علوم انتظامی امین، دانشکده علوم و فنون اداری و پشتیبانی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت منابع انسانی
- عباس زاده و همکاران (۱۳۹۰). تبیین جامعه شناسی اعتماد به پلیس و عوامل مرتبط با آن؛ مطالعه موردی دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد تبریز، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، ۳ دوره اول- شماره ۳ (پیاپی ۳)، صص ۱ تا ۲۵
- عبدی، عباس (۱۳۹۰). طرح فنی نمونه گیری نظرسنجی های شهری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران. تهران: دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران. عبدی، توحید؛ نوذر امین صارمی، علی محمد ساعدی (۱۳۸۷). تأثیر اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی بر اعتماد مردم به پلیس در محدوده مرکزی کرج، مطالعات مدیریت انتظامی: سال سوم؛ شماره ۳، ۲۶۱-۲۸۱
- عزیززاده، ابراهیم، علی محمد رضایی (۱۳۸۴). بررسی منزلت اجتماعی پلیس و تعیین عوامل تاثیر گذار بر آن، مرکز تحقیقات کاربردی معاونت نیروی انسانی ناجا
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا
- قدسی، امیر (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و اقتدار نرم پلیس؛ الزامات و بایسته ها (با رویکرد برنامه پنجم توسعه)» در همایش اقتدار نرم نیروی انتظامی

- کرامتی، مهدی و حسین ملتفت (۱۳۸۲). پژوهش مشارکت مردم در انجام وظایف ناجا. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره دوم، زمستان
- کریمی، علی رضا (۱۳۹۲). تبیین رابطه بین ارزیابی مردم از سرمایه اجتماعی پلیس با احساس امنیت عمومی در استان کردستان (مطالعه موردی شهرهای قروه و مریوان) طرح تحقیقاتی، دفتر تحقیقات فرماندهی انتظامی کردستان
- کلاکی، حسن؛ رضا دوستدار (تابستان ۱۳۸۸). بررسی منزلت شغلی و اجتماعی پلیس ایران و عوامل موثر بر آن، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی. سال چهارم، شماره دوم: ۲۲۹-۲۵۱
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- کیانی، مزده (۱۳۹۰). شبکه اجتماعی زنان و مردان و اعتماد به پلیس مورد مطالعه شهر اصفهان. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال ششم، زمستان، شماره ۴
- محمدی، محمد علی (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- مختاری ناصری، ذاکر (۱۳۹۳). بررسی عوامل نگرشی موثر بر اعتماد مردم به پلیس در حوزه استحفاظی فرماندهی انتظامی ویژه شرق استان تهران، در رشته مدیریت دولتی سیستمهای اطلاعاتی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) (۱۳۸۵). فرهنگ سیاسی مردم ایران، (موج اول پیمایش ملی)، تهران: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران
- مفاخری، اقبال (۱۳۹۳). بررسی میزان اعتماد اجتماعی شهروندان به پلیس و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی: شهر قروه)، پایان نامه کارشناس ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم اجتماعی
- ناطق پور. محمد جواد، سید احمد فیروزآبادی (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل گیری آن در شهر تهران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، زمستان، صص ۹۱-۵۹
- نژاد اکبری، مجرد کاهانی و دامن کشان (۱۳۹۲). واکاوی رابطه سرمایه های اجتماعی پلیس و امنیت اجتماعی (مطالعه موردی، ناحیه دو شهر کرمان)، فصلنامه دانش انتظامی کرمان، سال چهارم، شماره ۶، صص ۳۲-۵۱

- نظری، جواد؛ متقی، یدالله (۱۳۹۲). تبیین جامعه شناختی نحوه نگرش به کارآمدی نیروی انتظامی (در برخورد با یک مساله اجتماعی)، فصلنامه دانش انتظامی ایلام، سال دوم، شماره هفتم،
- منصور وثوق و نصرالله گلیج (۱۳۸۷). بررسی جامعه شناختی سطح اعتماد اجتماعی زنان به پلیس در شهر تهران، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۱۳، ۶۹-۹۸
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: دفتر طرح‌های ملی. (۱۳۸۱). ارزشها و نگرشهای ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، تهران: دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: دفتر طرح‌های ملی. (۱۳۸۳). ارزشها و نگرشهای ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، تهران: دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان
- همتی، رضا. (۱۳۸۶). پلیس جامعه محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم، صص ۱۳۱-۱۴۷
- Boateng, Francis D.(2012) Public Trust in the Police: Identifying Factors that Shape Trust in the Ghanaian Police, Working Paper No 42, June 2012. Available in: [www.ipes.info/WPS/WPS\\_No\\_42.pdf](http://www.ipes.info/WPS/WPS_No_42.pdf)
- Cao, liqun; stack, steven and sun,yi(1998) public attitudes toward the police: A Comparative study between Japan and America, journal of criminal justice, Vol.26, No.4, pp.289-279
- Cao, liqun and hou, charles (2001) A comparison of confidence in the police in china and in the united state, journal of criminal justice, Vol 29, pp 99-87
- Cao, Liqun. Solomon Zhao, Jihong. (2005) Confidence in the police in Latin America, Journal of Criminal Justice 5)33).pp 412—403
- Cao, Liqun. Solomon Zhao, Jihong. (2005) Confidence in the police in Latin America, Journal of Criminal Justice 5)33).pp 412—403
- Caramuta .Diego. (2005). «A Dynamic Approach to the Relationship between Inequality, Social Capital and Institutions». Department

- of Economics, Universidad National Del Sur. Available in: <http://econwpa.repec.org/eps/dev/papers/0506009/0506.pdf>
- Crawford. Adam (2006) «Fixing Broken Promises?»: Neighbourhood Wardens and Social Capital, Urban Studies, Vol. 43, Nos –957 ,6/5 976
  - Ferguson ,Kristin M. Charles H. Mindel .(2007).Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods: A Test of Social Capital Theory, Crime & Delinquency 2007, vol.53, pp.349-322
  - Goudriaan, H., Wittebrood, K., & Nieuwbeerta, P. (2006). Neighbourhood characteristics and reporting crime: Effects of social cohesion, confidence in police effectiveness and socio-economic disadvantage. British Journal of Criminology, ,46 742–719
  - Hawdon, James (2008).Legitimacy, Trust, Social Capital, and Policing Styles: A Theoretical Statement, Police Quarterly 182 ,11 originally published online Feb 2008 ,29
  - Hetherington ,Marc.J .(1998) .The Political Relevance of Ploitical Trust .The American
  - Political Science Review..(808-797 , 2, (4
  - Hood, S ( 2006).Policie Social Prestige.
  - Jang, hyunseok, joo,hee-jong and zhao,jihong (2010) determinants of public confidence in police: An international perspective, journal of criminal justice, Vol.1),38), pp. 69-57
  - Kääriäinen, Juha Tapio 2007,Trust in the Police in 16 European Countries: A Multilevel Analysis, European Journal of Criminology, 435-409 ,4
  - Maxson, C. L. Hennigan, K. and Sloane, D. C. (2003) Factors that influence public opinion of the police, US Department of Justice, Office of Justice Programs, National Institute of Justice
  - Myhill, Andy and Beak, Kristi (2008). Public Confidence in the

- Police. London: National Policing Improvement Agency (NPIA)
- Offe, Claus and Fuchs, Susanne (2002) A decline of social capital? The German case, published in Putnam, R. (2002) Democracy in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society, New York: Oxford University Press, 243-189
  - Rawlins, Bradi. (2008) Measuring the relationship between organizational transparency and employee trust. *Public Relations Journal*, vol. 0 No.2
  - Renaure, C.B. (2007). Reducing fear of crime: citizen, police, or government responsibility? *Police Quarterly*, 41 ;10
  - Rothstein, B. (2005). Social traps and the problem of trust. Cambridge: Cambridge University Press
  - Rothstein, Bo, Uslaner, Eric M (2005) All for All: Equality, Corruption, and Social Trust. *World Politics*, Volume 58, Number 1, October 2005, pp. 72-41
  - Schaap, D. (2012) Citizens trust in police, [www.ru.nl/.../d\\_schaap\\_thesis\\_v2](http://www.ru.nl/.../d_schaap_thesis_v2).
  - Scott, Jason.D (2002) Assessing the Relationship Between Police-Community Coproduction and Neighborhood-Level Social Capital, *Journal of Contemporary Criminal Justice* 166-147 ;18 ;2002
  - Sims Barbara et al. (2002), determinants of citizen attitudes toward police: results of the Harrisburg citizen survey 1999, *Journal of Police Strategies & Management*, vol.25, No.3, pp.471-457
  - Sunshine, J., & Tyler, T. R. (2003). The role of procedural justice and legitimacy in shaping public support for policing. *Law and Society Review*, 548-513 :(3)37
  - Taylor, Paul, Cary Funk, April Clark (2010) Americans and Social Trust: Who, Where and Why (Washington: Pew Research Center) <http://www.pewsocialtrends.org/files/10/2010/SocialTrust.pdf>
  - Tyler, T. R., & Huo, Y. J. (2002). Trust in the law: Encouraging



public cooperation with the police and courts. New York: Russell Sage

- Taylor, Ralph B, Wyant, Brian R, Lockwood, Brian (2015) Variable links within perceived police legitimacy? Fairness and effectiveness across races and places, *Social Science Research*, 248–234 .49
- Tyler, T. R., & Wakslak, C. J. (2004). Profiling and police legitimacy: Procedural justice, attributions of motive, and acceptance of police authority. *Criminology*, 282-253 ,42.
- Tyler, Tom. R (2001) Trust and Law- Abidingness: a Proactive Model of Social Regulation, The Australian National University, Research School of Social Sience, Working Paper, no, 16
- Uslaner, E. M. & M. Brown.(2003).“Inequality, Trust and Civic engagement”.*American Politics Research.*, Vol. 31, No.x, pp. 27-1
- Uslaner, Eric.M.(1998).Social Capital, Television, and the Mean World:Trust, Optimism, and Civic Participation , *Political Psychology*, Vol 19, No 3, pp 467-441.
- Webb, Vincent j. & marshal, e(1995), the relative importance of race and ethnicity on citizen attitudes toward the police, *American journal of police*, vol. xiv, No.2, pp 66-45
- Worrall, John L. (1999). Police perceptions Of Police Efficacy And Image: The «Fuzziness» of Support for Police, *American Journal Of Criminal Justice*, Vol. 24 No. 1 , PP 66-47